تصویر مــادر در آیینۀ شعر فــروغ فرخـزاد

**دکتر اکبر صیادکوه[[1]](#footnote-1)**

**مینا مساعد[[2]](#footnote-2)**

**سحر مهدوی­فرد**[[3]](#footnote-3)

زنان به عنوان نیمی از جامعه سهم فراوانی در پیشرفت تمدن انسانی داشته­اند. در آغاز این عنصر مهم در مقام بسیار فروتری به نسبت مردان قرار می­گرفت، تا اینکه از حدود صد سال پیش ، در سایه­ی دیدگاه­های فمنیستی رنگ آثار ادبی و اجنماعی و به طور کل، نگرش جامعه در این باره دگرگون شد. شاید مهمترین نقش را در این تحول خود زنانی داشته­اند که با زبان شعر یا داستان و غیره دارای جایگاهی بوده­اند. یکی از آن­ها «فروغ فرخزاد» است. بنابراین بررسی نقش زنان، به ویژه نقش «مادر» در همۀ آثار ادبی ؛ بویژه آثار معاصر از نظر جامعه­شناسی و ادبی حایز اهمیت است. فروغ به عنوان تأثیرگذارترین شاعر زن در دورۀ معاصر و به دلیل پیوند بی­بدیل شعرش با روح و طبیعت زنانه در این زمینه از اهمیت ویژه­ای برخوردار است. در این مقاله سعی شده که تصویر مادر در اشعار فروغ از نظر روانشناسی و اجتماعی بررسی شود. یافته­های این پژوهش نشان می­دهد که فروغ، چهرۀ کهنۀ مادر را با رنگ و رویی تازه به تصویر می­کشد. تصویری پیوند خورده با طبیعت که واکاوی آن معنای تازه­ای به مفهوم مادر می­بخشد. مادر برای وی موجودی­ است دارای ویژگی­های اصیل انسانی که هر بار با طرحی نو موجودیت خویش را اثبات می­کند و با گسترده­تر شدن جهان ذهنی شاعر، مفهوم مادر نیز گسترش یافته، تا آن­جا که به عنوان عنصری از طبیعت نمود می­یابد.

واژه های کلیدی : فروغ فرخزاد ، مادر ، فمینیست ، ادبیات معاصر، روانشناسی.

1. - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز [↑](#footnote-ref-1)
2. - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز [↑](#footnote-ref-2)
3. - دانش­آموختۀ کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور اهواز [↑](#footnote-ref-3)